

متن پرسش

سلام علیکم: استاد عزیز تصور می‌کنم گریه‌های من در مجالس عزاداری تا به امروز از سر وهم و پندارهای خودم بوده. مثلاً گریه کردن من برای مصیبت‌های کربلا، گریه کردن کسی بوده که دلش برای افرادی که در اون صحنه هستند می‌سوزه. در حالی که اهل بیت در اوج اقتدار و عزت این حادثه رو رقم زدن و همیشه از سر ترحم برای اونها گریه کرد. گریه حقیقی باید چه گریه‌ای باشه و چطور به دست میاد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: علاوه بر آن‌که در کتاب «کربلا؛ مبارزه با پوچی‌ها» بحثی در رابطه با اشک بر امام حسین «علیه‌السلام» شده است، در یادداشت ویژه نیز نکاتی عرض شده که در ذیل خدمتتان ارسال می‌شود: موفق باشید

جایگاه اشک بر حسین (ع)

قال الحسین (ع) : أَمَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذُكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ [۱] من کشته ام برای اشک، مؤمن یادم نکند جز آنکه گریه اش گیرد.

اشکی که در شیعه هست با ناراحتی‌های عاطفی و احساساتی فرق اساسی دارد، اشک برای حسین (ع) عامل رابطه انسان است با مقاصد قدسی و لذا نه تنها شادی و نشاط را از شیعیان نمی‌گیرد، بلکه شادی و نشاط در زندگی شیعیان موج می‌زند. ولی نباید آن را با لذت‌گرایی یکی گرفت، زیرا تفاوت زیادی است بین آن شادی که با پرهیزکاری همراه است و روح معنوی دارد با آنچه امروز در غرب هست که لذت‌گرایی در آن مقصد و معبود شده است. در شیعه، شور زندگی با یادآوری غم غربت نسبت به عالم قدس همراه است و با فرهنگ مرگ آگاهی راه خود را از قهقهه‌های اهل غفلت جدا کرده و سعی دارد خود را در فرح حضور با حق حفظ کند و اشک بر حسین (ع) نوعی طلب آن فرح است و آن‌هایی که غم غربت در این دنیا را می‌شناسند می‌فهمند حزن مقدس چه حلاوتی دارد و مواظب‌اند گرفتار لذت‌گرایی و خوش‌گذرانی اهل دنیا نشوند و از ارتباط با حقایق وجودی عالم محروم گردند.

شیعه و غم و شادی و اشک

در زندگی شیعه شادی و طرب موج می‌زند، اما نباید آن را با لذت‌گرایی یکی گرفت، تفاوت زیادی است میان آن شادی که با پرهیزکاری همراه است و ویژگی معنوی دارد و آنچه امروز در فرهنگ غرب هست که در آن لذت‌گرایی مقصد و معبود شده است.

در شیعه شور زندگی یا فرح، با یادآوری نوعی غم غربت نسبت به وطن معنوی، همراه است، که موجب حزن می‌گردد. این حالت از جمله حالاتی است که در اشعار عرفانی ما هویدا است و معلوم است که این حزن با ناراحتی عاطفی فرق بسیار دارد.

از آن‌جا که ما مرگ را در پیش داریم ناممکن است چون غافلان از غیب و قیامت از زندگی لذت مستانه ببریم، و لذا فرهنگ شیعه در این «مرگ‌آگاهی» راه خود را از قهقهه‌های مستانه‌ی اهل غفلت جدا کرده است و با حزنی معنوی در فرح حضور است و متوجه است که ما در مقام موجوداتی معنوی با این عالم بیگانه‌ایم و یک نحوه باطن‌گرایی را دائماً مدّ نظر داریم.

آن‌هایی که غم غربت را می‌شناسند در دل حزن مقدس، فرح و حلاوتی می‌یابند که قابل مقایسه با شادی‌های اهل دنیا نمی‌باشد.

دیدگاه شیعه با پیروی از ائمه «علیهم‌السلام» این نکته را دائماً مدّ نظر دارد که این جهان ناقص‌تر از آن است که بتوان با نور حقیقت به طور کامل ارتباط پیدا کرد.

اگر این غم مقدس نبود عناصر شادی‌بخش افراطی بر زندگی تشیع غالب می‌شد و به مردمی تبدیل می‌شدند که بیشتر لذت‌گرا و خوش گذرانند.

حزن شیعه نیز به جهت احساس غم غربت یا حزن معنوی او است که خود را و بقیه را در این غم شریک می‌بیند و اگر این حزن معنوی نبود، خیلی زود فرح، شکل شادی بی‌محتوا به خود می‌گرفت و گرفتار لذت‌جویی حسی می‌شد.

جایگاه عزاداری برای امام حسین «علیه‌السلام»

۱. عزاداران امام حسین «علیه‌السلام» با حضور در مراسم عزای آن حضرت، در واقع خویشتن را مصیبت‌زده و داغدار حادثه‌ی عاشورا می‌یابند، گریه سر می‌دهند و بی‌تاب می‌شوند.

۲. در اشک برای حسین «علیه‌السلام» آرامشی ویژه و لذتی خاص هست متفاوت با غم‌ها و اشک‌های زندگی روزمره، غم معنویت، غم سوختن برای مظلوم، غمی است منشأ حرکت، و پویایی اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد و به قلب و روح انسان نشاط همدلی با مظلوم را پدید می‌آورد و لذا از تکرار این غم و اشک ملول نمی‌شود.

۳. مهر و محبت به امام معصوم در ژرفای احساسات و عواطف شیعیان آن حضرت جای دارد و با تلاش شیعیان این پیوند عمیق عاطفی هر سال تکرار می‌شود، آن‌هم تلاش برای پیوندی عمیق‌تر. و لذا رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» [۲] برای شهادت حسین «علیه‌السلام» در قلوب مؤمنین حرارتی است که هرگز خاموش و سرد نمی‌شود.

۴. با توجه عاطفی به حضرت امام حسین «علیه‌السلام» سایر ابعاد شخصیت امام و اسلام مدّ نظر قرار می‌گیرد تا علاوه بر نظر به آزادی و ظلم‌ستیزی و ایثار و حقیقت‌جویی که غذای جان انسان است، به مقام امامت نیز نظر شود و آن دری می‌شود برای فهم معارف اسلامی از طریق روایات آن بزرگان، و فربه‌شدن در فضائلی چون صبر و حلم که زمینه‌ی نزدیکی به امامان معصوم می‌گردد و مرز تولی و تبزی که عامل نجات جامعه‌ی اسلامی است شکل می‌گیرد و معنویت به عنوان یک ارزش جا باز می‌کند.

۵- گریه بر امام حسین «علیه‌السلام» از نوع گریه‌های نیمه‌شب اولیاء الهی است که حسین «علیه‌السلام» توانست آن را برای عموم مردم عملی کند و خود آن حضرت به‌خوبی متوجه بودند که صحنه‌ی کربلا عامل چنین گریه‌هایی باید باشد تا زمینه‌ی انس قلب با حقایق فراهم شود و حجاب‌ها بین عبد و معبود رفع گردد. چرا که هرکس ناظر آن اندازه زیبایی وفاداری بین حسین «علیه‌السلام» و ابوالفضل عباس یا بین امام حسین «علیه‌السلام» و حرّ شود، از عمق فطرت گریه سر می‌دهد تا از اتصال به این زیبایی‌ها محروم نباشد و موجب پایداری بر عهد خود با حقیقت می‌شود و پیوندی جاودانه را که بین جان انسان است با دل اولیاء الهی به صحنه می‌آورد.

بنا به فرمایش امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه»؛ «هر مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، تا پایش گریه‌کن نباشد، حفظ نمی‌شود. گریه‌کردن بر عزای امام حسین «علیه‌السلام»، زنده نگه‌داشتن نهضت و زنده نگه‌داشتن همین معنی است که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد... آن‌ها از همین گریه‌ها می‌ترسند. برای این‌که این گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است، فریاد مقابل ظالم است.»

با لباس سیاه به تن‌کردن و سینه و گریه جمعی نهایت تعلق خاطر را نشان می‌دهد که تا چه اندازه به آرمان‌های شخص مظلوم وفادار است و نیز کودکان این جامعه را متوجه چنین تعلق خاطری می‌کند و با نمادهای کربلا و عاشورا آشنا می‌نماید.

رسول خدا (ص) فرمودند: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - إِلَّا عَيْنٌ بَكَتْ عَلَىٰ مُصَابِ الْحُسَيْنِ» [۳] هر چشمی فردای قیامت گریان است غیر از چشمی که در مصیبت حسین «علیه‌السلام» گریه کند.

روایت فوق‌خبر از عمق تأثیر اشک بر امام حسین «علیه‌السلام» در عمیق‌ترین ابعاد انسان می‌دهد که

در قیامت ظاهر می‌شود.

آن‌کس که عاطفه‌ی خود را درست مدیریت کند و بخواهد بهترین مصداق را جهت تغذیه‌ی عواطف بیابد، می‌پذیرد اشک برای ابا عبدالله «علیه‌السلام» موجب صیقل قلوب و گشادگی روح می‌شود و عامل رشد ایمان و حفظ آن از یک طرف، و دوری از دنیا و صفات رذیله از طرف دیگر می‌شود.

اشک برای حسین «علیه‌السلام» نمونه‌ی به فعلیت رسیدن ایمان است، زیرا ایمانی که به پاک‌کردن قلب و زلال‌ساختن دل و دگرگونی آن منتهی نشود، ایمان فعلیت‌یافته نیست و نمی‌توان به وسیله‌ی آن، انس با خدا را از یک طرف، و ایثار و فداکاری و جهاد از طرف دیگر به دست آورد.

اشک برای حسین «علیه‌السلام» موجب احیاء قلوب و آزادی عقل از اسارت هوس‌ها و غفلت‌ها است و در همین راستا حضرت رضا «علیه‌السلام» به «دعبل خزایی» می‌فرمودند: قصیده‌ی خود را در رابطه با شهادت حضرت سیدالشهداء «علیه‌السلام» بخواند و حضرت با تمام وجود اشک می‌ریختند و دو بیت نیز به آن اضافه نمودند.

«والسلام»